

چین و مناسبات امنیتی خاورمیانه

حسین مفیدی احمدی (دکترای روابط بین‌الملل)

۱۵ مهر ۱۳۹۶

شماره مسلسل: ۳۳۰۰۳۹۰

شماره شاپا: ۵۳۸۵-۲۴۲۳

در این نگاه، خاورمیانه صحنه مناسبی برای چین است تا خود را به عنوان یک قدرت بزرگ مشروع در عرصه نظام بین‌الملل نشان دهد. به عنوان مثال چین موقعیت منحصره فردی به عنوان "دوست همه و دشمن هیچ کس" در خاورمیانه دارد. در این نگاه چین به عنوان کشوری که سیاست عدم مداخله در مسائل داخلی و بین‌دولتی در منطقه را دنبال می‌کند؛ بر توسعه و گفتگو به جای استفاده از ابزارهای قدرت نظامی تأکید دارد و سیاست ثبات‌سازی از طریق همکاری‌های چندجانبه اقتصادی در منطقه را دنبال می‌کند، ظرفیت تبدیل شدن به قدرتی مشروع در خاورمیانه را دارد. در واقع پیگیری سیاست‌های فوق‌موجب تمایزبخشی به چین در مقایسه با دیگر قدرت‌های فرامنطقه‌ای شده است.

خاورمیانه در راهبرد ورود به پارادایم جدید اقتصادی چین نیز سهم مهمی دارد. می‌دانیم که چین از نقطه نظر اقتصادی به یک نقطه عطف رسیده است. سیاست اقتصادی موفق پیشین این کشور که به خروج حدود ۴۰۰ میلیون چینی از فقر کمک کرد دیگر کافی نیست و این کشور نیازمند گذار به پارادایم جدید اقتصادی مبتنی بر گشودن راه‌های جدید تجاری و نوآوری‌های مرتبط با فناوری‌های بالا و خدمات است. در این نگاه، طرح "یک کمربند یک جاده" (۳) چین نیز که شبکه‌ای از جاده‌های فراسرزمینی؛ خطوط راه‌آهن و زیرساخت‌های اطلاعاتی چین را به اروپا متصل خواهد کرد، یکی از ابزارهای مهم طی کردن دوران گذار چین به پارادایم جدید اقتصادی خواهد بود. بدیهی است، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا منطقه‌ای کلیدی برای تحقق طرح "یک کمربند یک جاده" است.

دلایل مهم دیگری نیز برای تمرکز بیشتر چین بر منطقه خاورمیانه وجود دارد. نگرانی‌های امنیت داخلی چین از منظر ارتباط گروه‌های جهادی خاورمیانه‌ای و چینی یکی از دلایل است. دیگر آنکه در سال ۲۰۱۵ چین آمریکا را به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان پشت سر گذاشت و می‌دانیم بیش از نیمی از واردات نفت چین از منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا می‌آید. "چین همچنین به مقصد اصلی صادراتی کشورهای چین عربستان و ایران تبدیل شده است و واردات انرژی این کشور از منطقه مورد اشاره تا سال ۲۰۳۵ دو برابر خواهد شد." (دوسک، ۲۰۱۷)

نشانه‌هایی از تمرکز بیشتر چین بر خاورمیانه در حال هویدا شدن است. چین، تنها در سال ۲۰۱۶، اولین پایگاه نظامی خود در خارج از این کشور را هم‌زمان با نودمین سالگرد تشکیل ارتش این کشور در جیبوتی افتتاح کرد؛ نماینده‌ای برای بحران

سیاست خاورمیانه‌ای چین به همراه آینده‌های بدیل حضور این کشور در مناسبات امنیتی خاورمیانه مسئله‌ای نیست که از چشم تحلیل‌گران و تصمیم‌سازان کشورمان به دور باشد. این نکته از آنجا اهمیت می‌یابد که تا چند سال پیش سخن گفتن از نقش چین در پویای‌های منطقه خاورمیانه دور از ذهن به نظر می‌رسید. شاید بهتر باشد پیش از تمرکز بر آینده‌های بدیل حضور امنیتی چین در منطقه خاورمیانه، به چند مسئله راهبردی در سیاست خارجی و اقتصادی چین که در چارچوب آن منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا اهمیت می‌یابد نگاهی بیفکنیم.

می‌دانیم که چین از دوران زمامداری شی جین‌پینگ، گام به‌گام در حال دور شدن از راهبرد سنتی "قدرت خود را پنهان کن، منتظر باش تا زمان تو فرا برسد" (۱) است. در دوران جدید، چین سیاست خارجی چندبعدی را دنبال کرده است که ایجاد فرصت‌های جدید برای این کشور و استفاده از نقاط قوت آن به ویژه در حوزه قدرت اقتصادی و تجاری برای تأثیرگذاری سیاسی را در کانون توجه خود قرار داده است. بدیهی است منطقه مهم خاورمیانه نیز نمی‌تواند از این نگاه به دور باشد.

تبدیل شدن به یکی از هنجارسازان نظام بین‌الملل نیز یکی دیگر از اهداف راهبردی چین در سال‌های اخیر بوده است. این نکته از آنجا اهمیت می‌یابد که قطب‌بندی‌های هنجارمحور و ارزش‌محور، یکی از موتورهای محرکه پویای‌های بین‌المللی در قرن جدید هستند. به نظر می‌رسد تلاش چین برای رهبری "سرمایه داری دولت محور" در عرصه جهانی نیز یکی از عوامل شکل‌دهنده راهبردهای اقتصادی این کشور در مقابل کشورها و حوزه‌های جغرافیایی مختلف بوده است. واقعیتی که برخی از تحلیل‌گران آن را "جهانی‌شدن با ویژگی‌های چینی" (۲) خوانده‌اند. (سپلچر، ۲۰۱۶)

قابل دریافت است. در ضمن چین هواپیماهای بدون سرنشین نظامی را به کشورهای عراق، امارات و مصر نیز فروخته است. در سند سیاست عربی چین نیز بر همکاری نظامی با کشورهای عربی از جمله در حوزه پرسنل، سلاح، فناوری نظامی و مانورهای مشترک تأکید شده است. (۴)

آینده‌های بدیل حضور چین در منطقه خاورمیانه در بازه زمانی بلندمدت، در قالب دو سناریو قابل پیش بینی است. در قالب سناریوی نخست، با افزایش توان نظامی چین به ویژه در حوزه دریایی و در صورت تشدید تنش‌های آمریکا و چین در حوزه پاسیفیک، امکان تسری رقابت‌های ژئوپلیتیک این دو کشور به منطقه خاورمیانه وجود دارد. شاید در چارچوب این سناریو باشد که باید توجه کنیم که "حضور نیروهای دریایی و پایگاه‌های آمریکا در خلیج فارس نه صرفاً برای حفاظت از کشورهای نفت خیز منطقه، بلکه به صورت غیرمستقیم با هدف حمایت از متحدین آمریکا در منطقه شرق آسیا صورت می‌گیرد. به این صورت که پایگاه‌های دریایی آمریکا در خلیج فارس در واقع پایانه غربی سیستم ایمن سازی ارتباطات دریایی آمریکا هستند. در این نگاه، منطقه خاورمیانه و شرق آسیا، صحنه تئاتر واحدی برای عملیات سیاسی و نظامی آمریکاست." (میاکی، ۲۰۱۷)

به نظر می‌رسد پیامدهای راهبردی بلندمدت ارتقاء جایگاه چین به عنوان یک نیروی دریایی در خاورمیانه؛ اقیانوس هند و حتی دریای مدیترانه از جمله نیاز این کشور به ایجاد پایگاه‌های دریایی در این مناطق، به چند مسئله بستگی خواهد داشت: "چشم انداز کلی ژئوپلیتیک در خاورمیانه؛ سطح حضور نیروهای آمریکایی در خلیج فارس (از جمله به دلیل احتمال مواجهه با احساسات انزواگرایانه در داخل آمریکا)؛ سطح اطمینان کشورهای حوزه خلیج فارس از استمرار حضور امنیت ساز آمریکا؛ سطح خواست و تعهد آمریکا در چارچوب سیستم ایمن سازی ارتباطات دریایی؛ سطح همکاری بین روسیه و چین و ماهیت رقابت استراتژیک آمریکا و چین در شرق آسیا." (میاکی، ۲۰۱۷) در واقع علاوه بر توانایی نظامی آمریکا و چین، توانایی آن‌ها در دست آوردن و نگهداری از پایگاه‌های نظامی و تأسیسات پشتیبانی دائمی نیروهای دریایی در نزدیکی و حتی داخل آب‌های خلیج فارس نیز در رقابت‌های آینده بین چین و آمریکا حیاتی است.

حضور چین در منطقه خاورمیانه در بازه زمانی بلندمدت را می‌توان در قالب سناریوی ایجاد سازوکارهای پیچیده تر همکاری چین و آمریکا نیز به تصویر کشید. در قالب این سناریو

سوریه معرفی کرد و نخستین سند سیاست عربی خود را منتشر نمود. با این وجود، در خصوص آینده‌های ممکن حضور چین در خاورمیانه شاید بهتر باشد بازه زمانی کوتاه مدت و میان مدت را از بازه زمانی بلندمدت تفکیک شود. به عنوان مثال، گرچه شاید بتوان کنش‌ها و سیاست‌های چین در منطقه خاورمیانه را در راستای سرمایه‌گذاری عمیق تر در یک منطقه راهبردی و نه صرفاً مشارکت فعالانه تر در این منطقه در نظر گرفت، به نظر می‌رسد در کوتاه مدت و میان مدت، حضور چین در خاورمیانه به معنای رقابت استراتژیک آمریکا و چین در خاورمیانه نخواهد بود. چین و آمریکا هر دو منافع مشترکی در استمرار جریان انرژی از منطقه خاورمیانه دارند. در ضمن چین از چتر امنیت‌ساز آمریکا در خاورمیانه در چارچوب اهداف تجاری خود نهایت بهره برداری را کرده است و به هیچ وجه علاقه‌ای با کاهش نقش امنیت ساز آمریکا در منطقه ندارد.

دیگر آنکه، به نظر می‌رسد، تحولاتی چون پاسخ سردرگم آمریکا به تنش جاری در روابط قطر و برخی کشورهای عربی به همراه طرح این ادعا که آمریکا رویکرد نگاه به درون را در پیش خواهد گرفت، موجب آن خواهد شد که کشورهای خاورمیانه گرایش بیشتری به حضور شرکای امنیت ساز دیگری در منطقه داشته باشند. در این بین چین به عنوان بازیگری که در مقایسه با آمریکا، به حق حاکمیت ملی کشورها احترام می‌گذارد و به هنجار عدم دخالت در امور داخلی کشورها نیز پایبند است، شریکی قابل اعتمادتر برای این کشورها خواهد بود. با این وجود، تلاش کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از جمله کشورهای عربی منطقه از به مشارکت فراخواندن چین در حوزه امنیتی، با هدف متنوع سازی بازیگران امنیت ساز در منطقه صورت گرفته و خواهد گرفت و نه جایگزینی چین با آمریکا.

به نظر می‌رسد پیامدهای امنیتی کوتاه مدت و میان مدت حضور چین در خاورمیانه بیشتر از منظر افزایش مرادوات نظامی چین با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس قابل توجه باشد. "در حال حاضر چین پانزدهمین تأمین کننده سلاح خاورمیانه است ولی طرح‌های گسترده‌ای برای افزایش فروش سلاح به منطقه دارد. به عنوان مثال، چین توافقنامه‌ای با عربستان امضاء کرده است که بر اساس آن، چین کارخانه تولید هواپیمای بدون سرنشین را به عنوان سومین کارخانه چین در خارج از این کشور (بعد از پاکستان و میانمار) و اولین مورد در خاورمیانه در این کشور خواهد ساخت." (هیندی، ۲۰۱۷) در واقع، فناوری‌هایی را که عربستان نمی‌توانست از آمریکا دریافت کند (از جمله هواپیماهای بدون سرنشین) هم‌اکنون از طریق چین

می توان متصور شد که ازجمله با توجه به کاهش نیاز آمریکا به انرژی خاورمیانه، انگیزه و فرصت بیشتری برای مشارکت بیشتر مالی و نظامی چین در امنیت خاورمیانه فراهم شود و همکاری های آینده آمریکا و چین به گذار به ترتیباتی پیچیده تر با همکاری این دو کشور ازجمله در حوزه حفاظت از مسیرهای دریایی منجر شود.

پانوشتها

۱- Hide your strength bide your time

۲- Globalization with Chinese characteristics

۳- One Belt, One Road

۴- برای مطالعه سند سیاست عربی چین مراجعه شود به:

(China's Arab Policy Paper, ۲۰۱۶)

منابع

-China's Arab Policy Paper, ۲۰۱۶, The Chinese government, in:

news.xinhuanet.com/english/china/-۲۰۱۶

۱۳/۰۱/c_۱۳۵۰۰۶۶۱۹.htm

-Sepulchre, Alain, ۲۰۱۶, China's Offensive in Europe, Brookings, May ۱۷

-Dusek, Mirek, ۲۰۱۷, Is China pivoting towards the Middle East?, The World Economic Forum, Apr.

-Hindy, Lily, ۲۰۱۷, A Rising China Eyes the Middle East, The Century Foundation, APRIL ۶

-Miyake, Kuni, ۲۰۱۷, China as a Middle East Power: The Pros and Cons of a More Assertive and Capable China in the Gulf and Beyond, Center For a New American Security, March

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.

متون سیاستی منتشرشده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.